



گفت و گوی خواندنی با حجت الاسلام علی فلاحیان وزیر اطلاعات دولت سازندگی

کشمکش با فلاحیان درباره مشای

فاطمه رب زاده

مقدمه

واقعاً وزیر اطلاعات دولت آقای هاشمی همین قدر اطلاعات داشت؟ «بله خوب، همه اطلاعاتش رو که نمی تونه بگه، محرمانه داره، طبقه بندی داره، اگر وزیر اطلاعات هم بیاد حرف بزنه، وزیران دیگر هم حرف بزنند پس چه فایده ای داره؟ ما مبین نظام هستیم، نمی شه هر چی داریم بگیم که...» فلاحیان این جملات را می گوید و سعی می کند خیلی کلی به سوالات ما پاسخ بدهد رویه ای که البته در طول مصاحبه خیلی به آن پایبند نمی ماند و پاسخ های جالب و مصداقی درباره ماهیت جریان انحرافی ارائه می کند. می پرسیم آیا آن ها (جریان انحرافی) سر دسته ای دارند، سازماندهی شده اند؟ می گوید: «نه سازمانی که ندارند، آدم هایی هستند که یک سری اعتقاداتی دارند» می توانند کاری انجام دهند؟ «بالاخره در ریاست جمهوری اند دیگر، بله» گفت و گوی ما با حجت الاسلام علی فلاحیان به موضوع تایید صلاحیت مشایب در انتخابات ریاست جمهوری که می رسد حاج آقا معتقد است او تایید صلاحیت نمی شود اما احتیاط را در اظهار نظرش رعایت می کند و می گوید: «اگر مشایب تایید صلاحیت بشود به این معنی است که در دفاع از خودش موفق بوده است» می پرسیم این که می گویند در زمان عزل چند روزه مصلحی وزیر اطلاعات تعدادی سند از وزارت اطلاعات خارج شده باز سیاست «بگم بگم» در تایید صلاحیت مشایب استفاده خواهد شد واقعا ممکن است؟ پاسخ می دهد: «وزارت اطلاعات حیطه بندی دارد و کسی نمی تواند این همه پرونده از افراد خاصی بردارد، رئیس جمهور خودش بایگانی و اطلاعات دارد، خود ریاست جمهوری اسناد بسیار زیادی دارد...» گفت و گوی خواندنی ما با فلاحیان تا پاسی از شب ادامه می یابد درباره در صدرای او در انتخابات، تاثیر افزایش بارانه هادر رقابت های انتخاباتی و... هم صحبت می کنیم با خمیازه های حاج آقا به نظر می رسد که موقع پایان مصاحبه است. ساعت حدود ۲۲:۳۰، یک روز شلوغ انتخاباتی داشته، ملاقات با گروه های مختلف، سخنرانی، شرکت در جلسه های عمومی و خصوصی، پاسخ دقیق دادن به سوالات ریز و درشتی که خبرنگارهای پرسند چون جواب نسنجیده می تواند همه معادلاتش را به هم بریزد و از همه حساس تر و از همه مهم تر چشم اسفند یار است که اگر آن سال ها به روی خیلی چیز ها بسته نمی شد حالا هر سوالی درباره موضوعی مثل قتل های زنجیره ای آرامش علی فلاحیان را به هم نمی ریخت. ماجرای مبهم و رعب انگیزی که البته همه جا گفته است به او هیچ ربطی ندارد پس بالای قبری که در آن مرده نیست فاتحه خواندن چه فایده؟

قابل به تجسم روح خدا در وجود ایشان شدند. این جریان انحرافی همه حلال ها را حرام کرد و واجبات را رخصت برانجام نشدن داد. الان هم علویان سوریه، بکناشی های ترکیه و علی الهی ها هم از همین فرقه منشعب شدند، این به عنوان مثال یک جریان انحرافی است.

چهره حاج آقا آن قدر که مسئولیت هایش جدی بوده جدی نیست، آرام و بالحنی خاص صحبت می کند، باید گوش ها خوب تیز باشد تا فرصتی از دست نرود دستگاه ضبط صدا را تا جایی که ممکن است به او نزدیک می کنیم. پاسخ شما به سوال من اینه؟ یعنی جریان انحرافی که امروز آن صحبت می شه، نظیر

«در زمان امام حسن عسگری (ع) فشارها بر ایشان شدید شد و در زندان حبس شدند آن جا حضرت از خود کراماتی نشان می داد، مثلاً یک بار آقا را با چند شیر، در فضایی حبس کردند، به قصد این که شیرها امام را بخورند. بعد دیدند، شیرها به حضرت کاری ندارند. شیربان رفت و به حاکم خبر داد و وقتی خودش داخل رفت حیوانات به او حمله کردند و او را خوردند. این شد که حاکم ترسید و حضرت را بیرون آورد، آقا از این دست کارها آن زمان انجام می داد که فشارها را کم کند، اما در مقابل این کرامات و کنش ها متفاوت بود. یک جریان انحرافی پیدا شد که طرفدارانش می گفتند امام حسن عسگری (ع) خداست و

درباره جریان انحرافی از اومی پرسیم.

«من عضو خبرگانم، به وقتی وزیر اطلاعات بودم، چی بگم؟ -همون چیزهایی که می دونید و البته جدید، نه آن چه تا به حال گفتید.

-هر چی بگم شما می گید، جدید نیست، چی کارش کنم؟ برای این که اطلاعات جدید بگیرید دائم می گید، دومرتبه، دومرتبه بگو. حالا منظور انحراف از چی هست؟

-شما باید بگید چون من سوال رو پرسیدم. (یک تکه سبب سرخ می خور و سپس از چند لحظه سکوت حرف هایی برای گفتن دارد.)